اعراض اصحاب از روایت ابن خالد و استظهار کراهت از آن توسط شیخ مفید

شاگرد: در ابتدای روایت اصلاً حرفی از استحباب نیست که حضرت آن را نفی کنند؟ اصلاً حرفی از استحباب نبوده. تنها حرف از «وقق له» بوده. چه احتمالی است که هیچ قرینه‌ای بر آن نیست؟

استاد: احتمالش برای روایت ابن خالد است که محضر حضرت خوانده و سائر روایات.

شاگرد: همان «وقق له» بود.

استاد: «وقق له» مقدماتی دارد. در اعراض از اصحاب مطلبی به ذهن من آمد که مجبور شدم همین بحث خودمان را نگاه کنم. بعد دیدم در کلمات علامه و محقق، همین چیزی که به ذهن من آمد و بعد از آن منصرف شدم، همان بخش را انداخته‌اند و از آن استفاده کرده‌اند. حالا من اعراض اصحاب را عرض می‌کنم و می‌بینید.

شاگرد: در روایت حضرت دوبار شرط «وقق له» را فرمودند. یک بار فرمودند «انما ذلک»، و بار دیگر در «اذا کان لایعلم» فرمودند «وقق له». یعنی این شرط را یک بار قبلش و یک بار بعدش فرمودند. لذا واضح است شرطی را که دوبار گفته‌اند را نفی می‌کنند.

استاد: فرمایش شما این است: ما قطع نظر از قرائن خارجیه و قرائن لبیه، بلکه تنها با توجه به قرائن داخلیه و خود روایت -غیر از الاقرب یمنع الابعد- خود امام علیه‌السلام «وقق» را تکرار کرده‌اند. اگر اینطور باشد تالی «وقق» می‌آید. اما اگر اینطور باشد، «فلا»؛ یعنی تالی نمی‌آید. تا این اندازه از آن قبول است. اما خب مجموع استظهار از حدیث باید سر برسد و اعراض را هم ببینیم تا ببینیم این «وقق» را باید چه کار کنیم.

ببینید عرض کردم که ما در این حدیث دو احتمال داریم و هر دوی آنها هم مطرح است. اول «استحباب یوم الشک»، دوم اجزاء روزه یوم الشک از ماه مبارک است، البته لو ثبت انه کان من شهر رمضان. ما با این دو مسأله مواجه بودیم. در هر دوی این احتمالها اصحاب به روایت ابن خالد عمل نکرده‌اند. اعراض هم کرده‌اند. در عمل نکردن و اعراض کردن، اولین عبارتی که به روشنی دلالت دارد معتبر جناب محقق است. بعد هم منتهی علامه است. اینها خیلی روشن است. من غیر از مفید که در «لاعلة و لاشبهة»، گفتند که روزه این روز مکروه است، و استحباب را وقتی گفتند که هوا صاف نباشد، من برخورد نکردم در طول تاریخ فقه یک نفر این کراهت مفید را فرموده باشند. مگر همین عنوان صاحب وسائل. چون می‌دانید عناوینی که صاحب وسائل می‌زنند فتوای خودشان است. ایشان فرمودند: «باب استحباب صوم يوم الشك بنية الندب على أنه من شعبان إذا كانت علة أو شبهة

[1]»؛ وقتی علت یا شبهه هست استحباب دارد. ببینید برای استحباب قید زده‌اند. یعنی ظاهر

عبارت ایشان به فرمایش شیخ مفید نزدیک می‌شود. و الا اگر شما به‌غیر از این عنوان وسائل برخورد کردید تذکر بدهید. من در هیچ کجا برخورد نکرده‌ام.

صاحب جواهر فرمودند: «اتفاق الاصحاب» هست.

> **وعلى كل حال فالمراد ما في النصوص السابقة من النهي عن صومه على انه من شهر رمضان، إذ صوم يوم الشك لا بهذه النية بل نية انه من شعبان مندوب اليه بل خلاف فيه بينهما إلا من المفيد فيما حكي عنه ، فكره على بعض الوجوه ، وهو شاذ[2]**

«... إذ صوم يوم الشك لا بهذه النية بل نية انه من شعبان مندوب اليه بل خلاف فيه بينهما إلا من المفيد فيما حكي عنه»؛ فقط مفید گفته‌اند که مکروه است. **«فكره على بعض الوجوه»؛** اگر هوا صاف باشد صوم مستحب نیست بلکه مکروه است. خب ببینید در مسأله استحباب، اتفاق را نقل کرده‌اند. **«الا من المفيد»؛** یعنی ولو هوا صاف است. یعنی ولو فرمایش امام علیه‌السلام در روایت ابن خالد –اما فلا علة و لاشبهة فلا- روی احتمال حکم استحبابی به این معنا می‌شود که «فلا استحباب»، اما ایشان می‌گویند اتفاق اصحاب بر استحباب است.

شاگرد: استحباب به عنوان یوم الشک است یا به‌عنوان مطلق شعبان است؟

استاد: قبل از آن فرمودند: **«إذ صوم يوم الشك لا بهذه النية بل نية انه من شعبان مندوب اليه بل خلاف فيه بينهما إلا من المفيد فيما حكي عنه، فكره»؛** مفید که از باب اصل شعبان اشکال نکرد. حالا من عبارت معتبر را بخوانم. خود مفید می‌گوید اگر قبلاً روزه گرفته‌ای مشکلی ندارد. می‌گویند اگر قبلش روزه می‌گرفتی اصلاً مکروه نیست. می‌گویند خب آن را به ماه مبارک وصل کن. در این قول منسوب به مفید ایشان چه زمانی فرمودند مکروه است؟ وقتی است که قبل از آن روزه نمی‌گرفته؛ الآن سیام شعبان شده و هوا هم صاف است و هیچ مشکلی ندارد، اما شما روزه بگیرید. این مرادِ ایشان است. البته منسوب به ایشان در رساله عزیه است. حالا ای غریه بود ای عزیه، گفتیم که رساله‌ای بود که برای عز الدین نوشته بودند.

> 12:29

علی ای حال فرمایش شیخ مفید در مقنعه به این صورت نیست. عبارت ایشان در مقنعه همراه اصحاب است. یعنی باز می‌گویند مستحب است. اطلاق عبارت ایشان جایی که هوا صاف باشد را هم می‌گیرد، لذا مستحب است.

شاگرد: منظور از کراهت، مرجوح است؟

استاد: این از چیزهایی است که می‌خواهم به آن برسم است. شیخ مفید می‌گویند که مکروه است و معلوم است که مستند ایشان روایت ابن خالد است. کما اینکه از صاحب وسائل معلوم است که مستند بابی که باز کرده‌اند همین روایت دوازدهم است. چون معلوم است الآن کار داریم که این کراهت را چطور معنا کنیم.

[1] وسائل الشيعة - ط الإسلامية ج۷ ص۱۲

[2] جواهر الكلام ج۱۶ ص۲۰۸

بازبینی #1
ایجاد شده 25 مه 2026 14:10:59 وسط ... .
به روزرسانی شده 25 مه 2026 14:12:56 وسط ... .